دو گام در فقه الحدیث روایت زرارة

شاگرد: شما بەغیرازفرمایش امام علیه‌السلام «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة»، فرمایش دیگری دارید؟

استاد: ببینید من چند چیز گذاشته‌ام. یکی کلمه «الاختلاف» است. اگر یادتان باشد عرض کردم. حضرت فرمودند «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة». شما فرمودید که چرا تکرار می‌کنید، اما گاهی تکرار واقع است. وقتی حضرت فرمودند «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة، ان القرآن واحد»، لحن امام علیه‌السلام مذمت این اختلاف است یا مدح آن است؟ بلاریب مذمت آن است. یعنی احدی تردید نمی‌کند که امام علیه‌السلام می‌گویند که این اختلاف بد است. این را کنار عبارت شیخ الطائفه، مجمع البیان، روض الجنان و منهج الصادقین بگذارید. آنها گفتند اختلاف سه جور است که دو جور آن بد است و یک جور آن خوب است؛ ما تلائم فی الحسن. اینکه می‌گفتم تقیه نیست، به همین دلیل بود. شیخ می‌گفتند چرا اختلاف قرائات خوب و صواب است؟ چون تلائم فی الحسن. همه با هم همگرا هستند. خب اگر یک راوی اشتباه می‌کند، «کله صواب» می‌شود و همگرا می‌شود؟! پس وقتی شیخ الطائفه می‌گویند اختلاف سه جور است و دو جور آن بد است، یک جورش خوب است. این یعنی چه؟ یعنی همان روایت زراره؟! روایت زراره که می‌گویید بد است. روایت زراره بوضوح می‌گویید که این اختلاف بد است اما شیخ الطائفه می‌گویند که این اختلاف خوب است. این کافی است تا بفهمیم اختلافی که در روایت آمده، اختلافی مذموم است و اختلافی که مورد بحث علماء بوده اختلافی است که مورد روایت نیست. این اولین قدم است؛ کلمه اختلاف.

دوم؛ «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة»؛ در زمان معصومین برای قرائت در بلاد، اسم راوی خاصی نداشت و الا اسم آن می‌آمد. شما ببینید در زمان معصومین راوی خاصی که بگویند فلانی راوی است، نداشتیم. بله، راوی هایی که حضرت می‌گویند همانطوری که شما می‌گویید داشتیم. مثلا یادتان هست که گفتیم حفص اختیار «ضُعف» کرد؟ حفص می‌گوید عاصم «ضَعف» خوانده و هیچکدام از آنها هم با او مخالفت نکرده‌اند الا در اینجا. یعنی عاصم «ضَعف» خوانده و من هم از او «ضَعف» را روایت کرده‌ام، اما مختار خود من در قرائت –بهمعنای اختیار القرائه که اصطلاح اهل قرائت است و ۱۸۰ درجه با فتوا فرق می‌کند- «ضُعف» است. بعد چه گفت؟ گفت «لما روی عن ابن عمر» که محضر حضرت «من ضَعف» خواند و حضرت در هر سه تای آنها گفت «من ضُعف» بخوان. این روایت می‌شود. یعنی دارد اسم می‌برد و می‌گوید فلانی گفت، فلانی گفت از ابن عمر. این روایت می‌شود. از اینها در آن زمان فراوان بوده است.

شاگرد: اگر همین روایت چیزی باشد که در بلاد دیگر جریان داشته باشد، همان متواتر می‌شود.

استاد: بله، یک فرد از متواتر می‌شود. اما خیلی از این روایات هم بوده که اصلاً نبوده. یعنی یک نفر آن را می‌گوید. من عرض کردم وقتی در بحث قرائات وارد می‌شوید می‌بینید که چه دم و دستگاهی بوده. بستر صدور این روایات بستر بسیار وسیعی بوده که یک صدم آن زدم اما است. چون فیلتر شده است. با همین سفارش ها و ...، متردافات را بیرون ریختند، خود قراء عشره نگذاشتند که آنها ادامه پیدا بکند. مگر در برخی از مواردش که آنها نزد اهلسنت از اعتبار روائی

خاص برخوردار بود.

شاگرد: شما قبلاً گفته بودید که کسانی بودند که بدون استاد می‌خواندند.

استاد: آن برای اصطلاح متأخر است. درست است. یعنی ما الآن می‌گوییم عاصم راوی نیست. عاصم قاری است. راوی چه کسی است؟ راوی حفص است. ابن شعبه است. این اصطلاح متأخر است. به بعد از حفص هم دیگر نه قاری و نه راوی می‌گوییم، بلکه طریق می‌گوییم. این اصطلاح کلاس قرائت در قرون بعد از ابن مجاهد است. در قرون چهارم و پنجم که از دانی شروع می‌شود. به حفص می‌گفتند حفص القاری. ولی ما می‌گوییم نه، حفص راوی است. دو تا است.

شاگرد: در زمان حضرت به حفص راوی نمی‌گویند. شما می‌گفتید کسانی بودند بدون اینکه از استاد شنیده باشند، از روی متن خودشان می‌خواندند. حضرت می‌گوید اختلاف از جانب این افراد است.

استاد: نه، در مقدمه القرائات سیاری بود که روی مصحف می‌نوشتند و مصحف هم که اعراب نداشت. می‌نوشتند و بعد می‌خواندند. هر کسی که مقداری می‌توانست خط بخواند، هر جور می‌فهمید می‌خواند. یکی از آن‌ها این بود: «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا[1]». این قرائتی است که احدی مخالف نخوانده است اما او «و حبا» خواند. می‌گفت برای این بود که او بعداً می‌خواست با آن‌ها محاربه کند. این سماع نبود. فقط نوشته بود. اگر از استاد شنیده بود اگر بین مسلمین یک عمر قرآن خوانده بود «حبا» نمی‌خواند. می‌دانست مسلمانان «حزنا» خوانده است و احدی هم بین مسلمانان «حبا» نخوانده است. اما چون با آن‌ها مانوس نبود به این شکل خواند. می‌گویند حماد راویه اقیانوس اشعار بود و در آن وادی کار کرده بود، خب معلوم است. لذا خلیفه او را خواست و گفت چند صفحه بخوان، بعد هم به‌شدت او را تادیب کرد. گفتند قرآن را بر می‌دارد و از مصحف می‌خواند، چیزهایی می‌خواند که احدی از مسلمانان از آن خبر ندارند. «ان القرائة سنة متبعة». ولو معنای چیزهایی که می‌خواند خوب باشد.

---

[1] القصص : ۸

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 15:14:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 13:12:12 توسط ... .